

به نمایندگی از شرکت ایرانی «پیشتازان کاوش گستر بُشرا» و زیرمجموعه آن «نارین سپهر مبین ایساتیس» فعالیت می‌کنند، اعمال شد.

۴- **تحریم شبکه بانکی** / ۲۲ اسفند ۱۴۰۳

اوفک ۲۲ اسفند شبکه «فاکستروت» را که ادعا شده است یک باند جنایتکار مستقر در سوئد است و در زمینه تیراندازی‌ها، قتل‌های قراردادی، حملات و سایر اشکال خشونت‌بار فعالیت می‌کند و با ایران در ارتباط است بر اساس فرمان اجرایی ۱۲۵۸۱ تحریم کرد.

۵- **تحریم نفتی و وزیر نفت ایران** / ۲۴ اسفند ۱۴۰۳

اوفک ۲۴ اسفند محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت دولت پزشکیان را بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۹۰۲ تحریم کرد. همچنین این دفتر ادعا کرد وزارت نفت ایران و نیروهای مسلح به یک «تاوگان سایه‌ای وسیع از کشتی‌ها وابسته هستند تا محموله‌های نفتی به ارزش میلیاردها دلار را برای تحویل به چین پنهان کنند». همچنین این دفتر ادعا کرد کشتی‌هایی شبیه «پیس هیل» با پرچم هنگ‌کنگ، «سیسکی» با پرچم سن‌مارینو، «کورونا فان» با پرچم پاناما، کشتی ایرانی «پولاریس ۱۱» و کشتی «لکسی» را تحریم می‌کند.

۶- **تحریم تسلیحاتی** / ۱۲ فروردین ۱۴۰۴

اوفک با هماهنگی دادگستری آمریکا، ۱۲ فروردین امسال ۶ نهاد و ۲ فرد مستقر در ایران، امارات و چین را با ادعای تامین قطعات پهپاد به نمایندگی از «صنایع هوانوردی قدس ایران» هدف تحریم قرار داد. افرادی به نام‌های «رضا امیدی»، «حسین اکبری»، «عباس یوسف‌نژاد»، «شرکت بازرگانی دیاموند کاسل»، «بازرگانی فیوچر» و «شبکه اینفر کاما کامیونیکیشن» همگی در امارات، شرکت «زیبو شنو» در چین و مجموعه شرکت‌های «راه رشد» هدف تحریم بودند و «حسین اکبری»، «رضا امیدی» و شرکت «راه رشد» تحت تعقیب قضایی دادگستری آمریکا قرار گرفتند.

سوم - **تحریم‌های پسانمذاکرات**

در شرایطی که دونالد ترامپ درباره ایران از فضای تهدید نظامی ناامید می‌شدد و این‌س موضوع نیز متأثر از واقعات سیاسی و نظامی ایران بود، موضوع مذاکره ایران و آمریکا با ارسال نامه ترامپ به رهبر حکیم انقلاب به وسیله امارات عربی متحده مطرح شد که با پاسخ رهبر انقلاب فضای ۲ کشور آماده مذاکرات غیرمستقیم در عمان و سپس ایتالیا شد. با این حال روند اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران در ۲ هفته نخست بعد از مذاکرات نیز متوقف نبوده و مکانان سیاست «فشار حداکثری» توسط آمریکا علیه ایران اعمال می‌شود که نشان‌دهنده اعمال سیاست چماق در مذاکرات هسته‌ای است.

۷- **تحریم مرتبط با هسته‌ای** / ۲۰ فروردین ۱۴۰۴

بعد از بحث‌ها درباره شروع مذاکرات در سطح وزیر خارجه ایران و نماینده ارشد ترامپ در امور غرب آسیا، اوفک ۲۰ فروردین شرکت‌هایی را که مرتبط با فناوری هسته‌ای ایران بودند، تحریم کرد. شرکت «فناوری و مهندسی آتبین ایستا» شرکت «صنایع آذراب»، شرکت «ساخت و توسعه راکتورهای پارس»، «شرکت پگاه آلومینیوم اراک»، «شرکت توربوم نیرو» و «هجید مسلط» مدیرعامل شرکت آتبین ایستا از جمله شرکت‌ها و افراد تحریم‌شده بودند.

۸- **تحریم‌های نفتی** / ۲۲ فروردین ۱۴۰۴ تنها یک روز مانده به مذاکره سیدعباس عراقچی و استیو بیتکاف، اوفک ۲۲ فروردین ۱۴۰۴ یک شهروند هندی و شرکت‌های وابسته به آن را در ارتباط با ادعای «تاوگان سایه» ایران، تحریم کرد. این دور تحریم «کشتنی‌های برار» را که

ادعا شده در انتقال نفت ایران نقش داشته‌اند، هدف قرار داد. ۹- **تحریم‌های نفتی و گازی** / ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ اوفک با صدور بی‌انیه‌ای در تاریخ ۲ اردیبهشت، تحریم‌های جدیدی را درباره صنعت نفت و گاز ایران اعمال کرد. اسکاگت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد اوفک سیداسدالله امام جمعه و یک کشتی به نام تینوس ال‌بی‌جی را که «منبع اصلی درآمد ایران است که از آن برای برنامه‌های هسته‌ای و برنامه‌های تسلیحات متعارف پیشرفته استفاده می‌کند» تحت تحریم قرار داد. همچنین شرکت‌های «آرسا گاز» و «تیلگون پارسای کاسپین» واقع در ایران، «پتروشیمی کاسپین» و «برل پتروشیمی» واقع در امارات و «ورلد واید ال‌پی‌جی» واقع در انگلیس نیز تحریم شدند.

و وسیعی از کشتی‌ها، افراد، شرکت‌های بیمه کشتی‌ها و... را هدف قرار داد که می‌توان آن را سرسختانه‌ترین تحریم از زمان روی کار آمدن ترامپ در دوره دوم قلمداد کرد. «کشتی نفتی آنتا» با پرچم کومور، «ارش لاویان» (ناخدای کشتی) به دلیل کمک مادی به «سپهرانرژی»، شرکت مدیریت خدمه «مارشال شپ منجمنت» مستقر در هند، خدمه کشتی «سیری»، کشتی‌های «السا»، «تیبی» و «بورسا»، شهروند هندی به نام «اریان زاویر آرانها» مدیر شرکت مارشال شپ منجمنت، «الیاس نیرویی‌توماج» از مدیران «سپهرانرژی»، شرکت «مدیریت کشتی اقیانوس دلفین» مستقر در هنگ‌کنگ، شرکت «اومبرا نیوی شپ» مستقر در قزاقستان، شرکت «یانگ فولکس اینترنشنال»، کشتی «سنی اچ بیلیون» با پرچم پاناما، کشتی «برفارست» با پرچم هنگ‌کنگ و بسیاری از افرادی که ادعا شده است به نحوی با این شرکت‌ها در ارتباط هستند.

۲- **مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و بیش از ۳۰ فرد و نفتکش** / ۶ اسفند ۱۴۰۳

اوفک در تاریخ ۶ اسفند تحریم‌های دیگری را با هدف «تاوگان پنهان ایران در فروش نفت تحریم‌شده» اعمال کرد. این تحریم ۳۰ فرد و چندین کشتی را به دلیل آنچه واسطه‌گری فروش و حمل‌ونقل محصولات نفتی ایران دانسته، اعمال کرده است. اشخاصی از هنگ‌کنگ، اپراتورهای تانکرها، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، «شرکت پایانه‌های نفتی ایران»، شرکت‌های «کنگان پترو فراینسینگ» مستقر در ایران، «بی‌اس‌ام مارین لیمیتد لابیلتی پارتنرشپ»، «استین‌شپ منجمنت پرایوت لیمیتد»، «کاسموس لاینزاینک»، «الکونست ماریتایم دی‌ام‌سی‌سی» و «وکتان انرژی گروپ اف‌زدسی‌او»، مستقر در امارات، «آ‌ام‌اس لیمیتد» مستقر در مالزی و «اوشندن شپینگ لیمیتد» و بسیاری از افراد، شرکت‌ها و کشتی‌های دیگر در این تحریم جا داشتند.

۳- **تحریم‌های تسلیحاتی** / ۸ اسفند ۱۴۰۳

۸ اسفند دور جدید تحریم‌های اوفک بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ (با هدف ادعایی مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و روش‌های انتقال آن) شامل تحریم شرکت‌هایی که ادعا شده در تامین قطعات پهپاد

صادرات نفت خام ایران به چین نیز می‌شود. - یک کارزار دیپلماتیک بین‌المللی را برای انزوی ایران در سطح جهان، از جمله در سازمان‌های بین‌المللی رهبری کند. همچنین از تردد آزادانه یا پناه گرفتن سپاه پاسدارن ی‌سانروهای نیابتی ایران در خارج از مرزهای ایران باید جلوگیری شود.

- با هماهنگی خزانه‌داری و سایر نهادهای مربوط، اقداماتی فوری انجام دهد تا اطمینان حاصل شود سیستم مالی عراق برای دور زدن تحریم‌های ایران مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و کشورهای حوزه خلیج‌فارس به عنوان مراکز ترانزیت برای فرار از تحریم‌ها عمل نمی‌کنند. نمایندگی آمریکا در سازمان ملل را موظف کرده است: - با متحدان کلیدی برای اجرای «مکانیسم ماشه» و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران همکاری کند. - ایران را به دلیل نقض معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) مورد بازخواست قرار دهد.

وزارت بازرگانی را موظف کرده صادرات ایران را رصد کند و دادستان کل ایالات متحده را نیز موظف کرده محموله‌های ایران را که از نظر آمریکایی‌ها مشکوک هستند، توقیف کند.

دوم - تحریم‌های پیش‌امذاکرات به نظر می‌رسد یادداشت اجرایی ترامپ تحت عنوان فشار حداکثری، شاکله اصلی تحریم‌های بعد خزانه‌داری و سیاست‌های ضدایرانی را شکل داده است. از همین رو تحریم‌های بعد آمریکا علیه ایران یکی پس از دیگری اعمال شده است که به آنها اشاره می‌شود.

۱- **تحریم نفتی و نفتکش‌ها؛ شرکت سپهر انرژی و شرکت‌های همکار و افراد وابسته** / ۱۸ بهمن ۱۴۰۳

نخستین تحریم دور جدید ترامپ علیه ایران ۲۱ روز بعد از امضای یادداشت اجرایی ترامپ در ۱۸ بهمن ۱۴۰۳/ ۶ فوریه ۲۰۲۵ اعمال شد و دفتر کنترل دارایی‌های خزانه‌داری (OFAC) یک شبکه بین‌المللی مرتبط با نیروهای مسلح ایران را که این دفتر ادعا می‌کرد «برای تسهیل صدور میلیون‌ها بشکه نفت خام ایران به ارزش صدها میلیون دلار به چین فعالیت می‌کند» تحریم کرد. اسکاگت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا در این باره ادعا کرد: «این نفت به نمایندگی از ستاد کل نیروهای مسلح ایران و شرکت تحت تحریم آن که سپهرانرژی جهان‌نما پارس (سپهر انرژی) است، ارسال شده است. این تحریم‌ها شامل نهادهای و افراد در حوزه‌های متعدد، از جمله چین، هند و امارات، همچنین چندین کشتی می‌شود». این تحریم مجموعه

جلوگیری از دستیابی ایران به بمب اتم و مقابله به نفوذ مخرب ایران» است. این یادداشت اجرایی با تکرار ادعاهای بی‌اساس و ایران‌ستیزانه قبلی، ایران را «بزرگ‌ترین حامی دولتی تروریسم در جهان» و تهران را مسؤول اتفاقات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حملات یم‌به اسرائیل معرفی کرده است. این یادداشت اجرایی را می‌توان استخوان‌بندی تمام تحریم‌های بعدی ایالات متحده علیه ایران دانست. طبق این یادداشت اجرایی، ترامپ با تقسیم کار هدقمند بین وزیر خزانه‌داری، وزیر خارجه، دادستان و وزیر بازرگانی ایالات متحده، هر یک را موظف کرده است اقدامات ایران را رصد کرده و با اعمال تحریم‌ها، مانع دسترسی ایران به منابع مالی شوند؛ از جمله خزانه‌داری آمریکا را موظف کرده است: - فوراً تحریم‌ها یا اقدامات اجرایی مقتضی را علیه تمام افرادی که شواهدی از نقض یکی از تحریم‌های مربوط به ایران دارند اعمال کند.

- یک کارزار اجرایی گسترده و مستمر برای اعمال تحریم‌ها علیه ایران اجرا کند تا ایران و نیروهای نیابتی به زعم آمریکا تروریست آن را از دستیابی به منابع مالی محروم کند. - مجوزهای عمومی، دستورالعمل‌های اقتصادی و هرگونه راهنمایی که به ایران یا نیروهای نیابتی آن تسهیلات اقتصادی یا مالی ارائه می‌کند، بررسی و در صورت لزوم، لغو یا اصلاح کند.

- راهنمایی‌های به روزرسانی‌شده‌ای برای بخش‌های مرتبط با تجارت، از جمله حمل‌ونقل، بیمه و اپراتورهای بندری منتشر کند تا ریسک‌های ناشی از نقض تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران را توضیح دهد. - اقدامات بازدارنده علیه ایران را در گروه ویژه اقدام مالی (FATF) حفظ و سطح مالکیت‌های مشکوک را بررسی کند تا ایران نتواند درآمد غیرقانونی کسب کند و بررسی کند مؤسسات مالی استاندارد «مشتري خود را بشناس» را برای تراکنش‌های مربوط به ایران اجرا کنند تا از فرار تحریمی جلوگیری شود.

همچنین در بخش مربوط به وزارت خارجه آمده است: - معافیت‌های تحریمی را بویژه آنهایی که به ایران تسهیلات اقتصادی یا مالی ارائه می‌کنند، لغو یا اصلاح کند؛ از جمله معافیت‌های مرتبط با پروژه بندر چلپهار. - یک کارزار اجرایی گسترده و مستمر را با هماهنگی خزانه‌داری و سایر نهادهای اجرایی، برای رساندن صادرات نفت ایران به صفر اجرا کند. این بند شامل جلوگیری از

در ۲ هفته گذشته فضای روابط بین ایران و آمریکا تحت تأثیر مذاکرات ۲ طرف قرار داشته است، به گونه‌ای که با تسلط فضای مثبت بر هر دور از مذاکرات ۲ طرف، فضای

اقتصادی کشور نیز متأثر شده است اما موضوع دیگری که کمتر مورد توجه قرار گرفته، اعمال سیاست‌های فشار حداکثری آمریکا علیه ایران است. دونالد ترامپ که رفتار سیاست خارجی خود با ایران را با «اعمال سیاست‌های فشار حداکثری» در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش تعریف کرده بود و در تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران بود، در دوره دوم تلاش کرد سیاست مذاکره با ایران را پررنگ جلوه دهد و در کنار آن، فشار حداکثری را نیز دنبال کند. به همین دلیل رئیس‌جمهور ایالات متحده ۲ هفته بعد از روی کار آمدن در اول بهمن ۱۴۰۳، در راستای

همین سیاست فشار حداکثری، ۱۶ بهمن یادداشت اجرایی سیاست «فشار حداکثری بر ایران» را امضا کرد و برای دست ندادن بخشی از افکار عمومی و نمایاندن تمایزش نسبت به مذاکره، از بی‌میلی خود برای امضای آن قمت. در اینجا تلاش می‌شود تمام اقداماتی (از جمله سیاست‌ها و تحریم‌هایی) که با روی کار آمدن ترامپ علیه ایران وضع شده، به ترتیب زمان بررسی شود. البته ذکر یک نکته ضروری است؛ این تحریم‌های جدید علیه ایران با توجه به موضوع مذاکرات میان آمریکا و ایران، نتوانسته و نمی‌تواند آنگونه که ترامپ می‌خواهد بر ایران اثرگذار باشد، چرا که اکنون در پشت میز مذاکره، دست دولت ترامپ برای ایران کاملاً باز شده است. گویی این تحریم‌ها که با هدف افزایش فشار بر ایران طراحی و اعمال می‌شود، شبیه یک نمایش یا بالماسکه مضحک شده باشد.

اول - پیش‌امذاکرات (یادداشت اجرایی «فشار حداکثری علیه ایران / ۱۶ بهمن ۱۴۰۳)

ترامپ روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۳/ ۴ فوریه ۲۰۲۵، با امضای یادداشتی اجرایی، کارزار «فشار حداکثری» خود را که در دوره نخست ریاست‌جمهوری‌اش علیه ایران شروع کرده بود، دوباره احیا کرد. هدف از این یادداشت اجرایی اعمال سیاست‌های سختگیرانه اقتصادی شامل بسته‌هایی از تحریم‌ها علیه ایران است و در مقدمه آن ذکر شده «هدف

رسید، موجی از امید و هیجان در میان جریان‌های اپوزیسیون شکل گرفت. آنها گمان می‌کردند با شخصیتی ضدسیستم و غیرقابل پیش‌بینی، زمینه‌ای برای ضربه نهایی به جمهوری اسلامی فراهم شده است. ترور ناجوانمردانه شهید سردار قاسم سلیمانی در ۲۰۲۰ و خروج آمریکا از برجام در ۲۰۱۸ این خیال را تقویت کرد.

اما این نگاه، دچار خطای بنیادی بود: سیاست خارجی آمریکا، حتی در دوران ترامپ، تابع منافع و توازن قواست، نه خواست‌های یک اقلیت پرسر و صدا در رسانه‌ها.

تظیر همین خطای تحلیلی را در دوران جرج بوش پسر هم شاهد بودیم، زمانی که اپوزیسیون با حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) تصور کرد نوبت تهران نیز خواهد رسید اما چنین نشد.

۲- **توهم اپوزیسیون درباره وزن و اثرگذاری خود** اپوزیسیون سال‌هاست در فضای مجازی و کنفرانس‌های بین‌المللی برای خود تصویری از یک آلترناتیو جدی ترسیم کرده است. اما در عمل، هم خودشان و هم دولت‌هایی چون آمریکا می‌دانند این طیف نه از نظر کمی (پایگاه اجتماعی) و نه از نظر کیفی (برنامه، سازمان، انسجام) جایگاهی برای چانه‌زنی ندارد.

در هفته‌های اخیر، هم‌زمان با مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، فضای رسانه‌های برانداز به‌طرز کم‌سابقه‌ای آکنده از سرخوردگی و سردرگمی شده است. از میان این همه واکنش، یک هشتگ بیش از همه جلب توجه کرد: **President Trump, Don't sell us out**

ترجمه تحت‌اللفظی و البته بسیار معناداری از عبارت انگلیسی sell out.

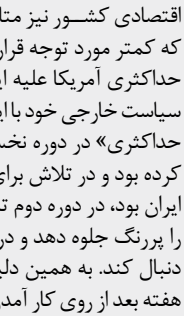
این اصطلاح در فرهنگ سیاسی و اجتماعی آمریکا، از دهه ۱۹۶۰ به این سو، به معنای خیانت به آرمان‌ها، مصالحه بر سر اصول یا به زبان روزمره‌تر «فروختن رفقا» به کار می‌رود. اپوزیسیون ناباورانه از ترامپ می‌خواهد آنها را به معامله با جمهوری اسلامی نفروشد!

این اصطلاح، از زبان اپوزیسیون جمهوری اسلامی به سمت ترامپ پرتاب شده؛ کسی که تا چندی پیش، برای همین نیروها «پرزیدنت دل‌ها» بود. اما چه شد که اینگونه ورق برگشت؟ در این یادداشت، با تمرکز بر اشتباهات راهبردی اپوزیسیون، تلاش می‌کنیم ابعاد این سرخوردگی را واکاوی کنیم.

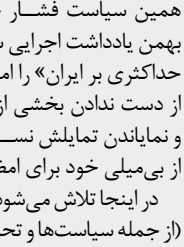
۱- **قمار بر سر یک چهره**، نه یک ساختار وقتی دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به ریاست‌جمهوری



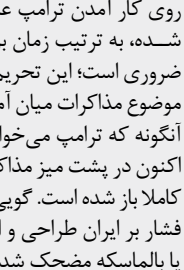
رضار حمتی



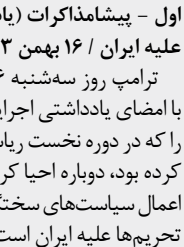
رضار حمتی



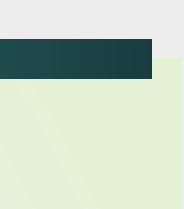
رضار حمتی



رضار حمتی



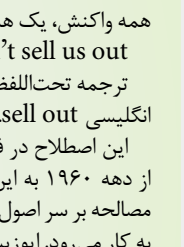
رضار حمتی



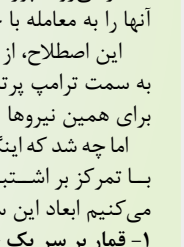
رضار حمتی



رضار حمتی



رضار حمتی



رضار حمتی

سرخوردگی اپوزیسیون از رویکرد ترامپ در مذاکره با ایران

پایان یک توهم

ترامپ در نخستین ماه‌های حضورش، بودجه نهادهایی چون Voice of America Persian و Radio Farda را کاهش داد، چرا که آنها را نه ابزار تغییر، بلکه کانون‌های مصرف‌فاند و تبلیغ بی‌خاصیت دید.

۳- **قهرمان‌سازی به جای تحلیل ساختار** بخشی از اپوزیسیون، ترامپ را نه در قامت رئیس‌جمهوری با منافع متغیر، بلکه همچون منجی دیدند.

همین قهرمان‌سازی رسانه‌ای، آنان را در برابر چرخش‌های سیاست واقع‌گرایانه آمریکا، بی‌دفاع و حیرت‌زده کرد.

مساله اینجاست که در تحلیل واقع‌گرایانه، سیاست خارجی مبتنی بر منافع است، نه تعهد به آرمان‌های گروه‌های برانداز. گروه‌های اپوزیسیون از نظر سواد بین‌الملل بسیار ضعیف هستند و کاملاً احساسی این فضا را تحلیل می‌کنند.

اخیرا در میان اپوزیسیون کارزاری به راه افتاده که دشمنان جمهوری اسلامی را به کتاب خواندن ترغیب می‌کنند. شاید اگر در سبد مطالعه هواداران براندازی، کتاب‌های تاریخ روابط بین‌الملل هم قرار داده شود، در فهم و تحلیل اتفاقات امروز به آنها کمک کند! جالب این است که اغلب اپوزیسیون این دعوت به کتابخوانی را توطئه جمهوری اسلامی توصیف کرده‌اند و از هواداران خود می‌خوانده به جای مطالعه کتاب، همچنان به